

Philosophical Foundations of Fostering Thinking and Creativity within the Theoretical Framework of the Fundamental Reform Document of Education

Zohreh Hosseini Khameneh¹| Ali Mohebbi²
Mohsen Imani Na'ini³

1. Ph.D. Student in the Philosophy of Education, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. **Email:** zohrehhosaini@yahoo.com
2. **Corresponding Author:** Full Professor of Curriculum Planning, Farhangian University, Tehran, Iran. **Email:** mohebbiarr@yahoo.com
3. Associate Professor of the Philosophy of Education, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. **Email:** imanino2@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Received: 21 May 2024 Revised: 25 June 2024 Accepted: 22 August 2024 Published: 10 October 2024 Keywords Thinking, The fundamental Transformation Document of Education, Creativity, Child.	Objective: One of the most critical aspects of children's education is cultivating their minds and fostering their ability to think critically and distinguish right from wrong. Furthermore, one of the responsibilities of both the family and the state concerning children is to provide an environment for their spiritual development. Nurturing thinking and creativity in education aims to create the conditions for a profound, comprehensive, systematic, holistic, and future-oriented transformation rooted in revealed teachings and Islamic knowledge while aligning with Islamic-Iranian culture. Based on the Fundamental Reform Document of Education, this study explores the foundations of cultivating thinking and creativity in children. Method: The research method is qualitative, employing thematic analysis. The analytical community in this study consists of written documents and records of the education system in the Islamic Republic of Iran, including the theoretical framework of the Fundamental Reform Document of Education. Data analysis was conducted through coding using MAXQDA12 software, followed by qualitative content analysis to present a conceptual model. Results: The findings indicate that in Islamic philosophy, which underpins the Fundamental Reform Document of Education, the ontological foundations of thinking focus on unity, the capacity to be guided, the cause-and-effect system, and the coherence of the universe. The anthropological foundations emphasize the pursuit of perfection, justice, freedom, and human identity. The epistemological foundations center on the quest for knowledge, understanding one's and others' situations, reasoning, thinking, and awareness of the limitations of human cognition in nurturing thinking. The axiological foundations focus on the goodness of actions and agents, true human freedom, and the love of beauty. The cultivation of thinking and creativity in Islamic philosophy and in the Fundamental Reform Document is built upon these principles. Conclusion: Based on the findings, the conclusion is that in the Islamic education system, developing students' creativity should be based on the established principles.
Cite this article	Hosseini Khameneh, Z., Mohebbi, A., & Imani Na'ini, M. (2024). Philosophical Foundations of Fostering Thinking and Creativity within the Theoretical Framework of the Fundamental Reform Document of Education. <i>Applied Issues in Islamic Education</i>, 9 (3), 61-74. http://dx.doi.org/10.61186/qaiie.9.3.1
	© The Author(s). Publisher: Academy of Scientific Studies in Education.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و
برنامه‌ریزی آموزشی



پژوهشگاه تعلیم و تربیت



پژوهشگاه
مطالعات آموزش و پرورش

مبانی فلسفی پرورش تفکر و خلاقیت در مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

زهره حسینی خامنه^۱ | علی محبی^۲ | محسن ایمانی نائینی^۳

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. [رایانامه: zohrehhosaini@yahoo.com](mailto:zohrehhosaini@yahoo.com)
۲. نویسنده مسئول: استاد تمام عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. [رایانامه: mohebbiarr@yahoo.com](mailto:mohebbiarr@yahoo.com)
۳. دانشیار عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. [رایانامه: imanino2@gmail.com](mailto:imanino2@gmail.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی دریافت: ۰۱ خرداد ۱۴۰۳ بازنگری: ۰۵ تیر ۱۴۰۳ پذیرش: ۰۱ شهریور ۱۴۰۳ انتشار: ۲۱ مهر ۱۴۰۳ کلیدواژه‌ها: تفکر، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، خلاقیت، کودک.	هدف: یکی از بخش‌های مهم تربیتی کودک، تربیت ذهن و روح، متفکر بارآوردن او و تمیز حق از باطل است. هم‌چنین یکی از وظایف خانواده و دولت درباره کودکان آن است که زمینه‌ای برای رشد روحی و معنوی آن‌ها فراهم کنند. مراد از پرورش تفکر و خلاقیت در آموزش و پرورش فراهم آوردن زمینه تحول عمیق ریشه‌ای همه‌جانبه، نظام‌مند و کل‌نگر، آینده‌نگر، مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و معارف اسلامی و متناسب با فرهنگ اسلامی-ایرانی است. هدف این پژوهش مبانی پرورش تفکر و خلاقیت در کودکان با تکیه بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. روش: روش پژوهش، کیفی و از نوع تحلیل مضمون است. جامعه تحلیلی در پژوهش حاضر اسناد و مدارک مکتوب نظام تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران شامل سند مبانی نظری سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش است. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری و به واسطه نرم‌افزار مکس کیودا نسخه ۱۲ شناسایی شد و در ادامه از طریق تحلیل محتوای کیفی، مدل مفهومی ارائه شد. یافته‌ها: با توجه به مبانی چهارگانه فلسفی یعنی مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی ۵۲ شاخص ناظر بر پرورش تفکر و خلاقیت استخراج گردید. مبانی انسان‌شناسی با ۲۲ شاخص بیش‌ترین شاخص و مبانی ارزش‌شناختی با ۶ شاخص کم‌ترین شاخص را به خود اختصاص داده‌اند. نتیجه‌گیری: نتایج حاکی از آن است که در فلسفه اسلامی که مبانی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم بر آن اساس بنا شده است، مبانی هستی‌شناختی تفکر متمرکز بر وحدانیت، هدایت‌مندی، نظام علی و معلولی و یکپارچگی نظام هستی است. مبانی انسان‌شناسی معطوف به کمال‌طلبی، عدالت‌طلبی، آزادمندی و هویت‌مندی انسانی است. مبانی معرفت‌شناسی متمرکز بر علم‌طلبی، درک موقعیت خود و دیگران، تعقل، تفکر و آگاهی از محدودیت‌های شناخت انسانی در پرورش تفکر و اندیشه، مبانی ارزش‌شناسی معطوف به حسن فعلی و فاعلی، آزادی حقیقی انسان، و زیبایی دوستی است که پرورش تفکر و خلاقیت در فلسفه اسلامی و همین‌طور سند تحول بنیادین بر این اساس بنا شده است.

حسینی خامنه، زهره، محبی، علی، و ایمانی نائینی، محسن (۱۴۰۳). مبانی فلسفی پرورش تفکر و خلاقیت در مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۹ (۳)، ۶۱-۷۴.
<http://dx.doi.org/10.61186/qaiie.9.3.1>

استناد



© نویسندگان.

ناشر: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

مقدمه

برای پیشرفت و حرکت رو به آینده برتر و حل انبوه مسائل و مشکلات موجود به خصوص در هزاره سوم میلادی و در عصر طلایی که معروف به عصر انفجار اطلاعات است و تغییر و تحول مستمر و پرشتاب از اصلی ترین شاخصه های حاکم بر حیات بشری است، جامعه انسانی ناگزیر به حرکت در جاده خلاقیت، نوآوری و ابتکاری است. در قرآن کریم خداوند در قرآن دو نوع آفرینش را به خود نسبت داده است: یکی به صورت «خلق» یعنی آفرینش اشیای مادی از مواد و اشیای دیگر و طبعاً به دست و کار دیگران به انجام می رسد و دیگری «ابداع» یعنی آفرینش از «نه خیر» (عدم) است که در فلسفه و عرفان اسلامی با ظرافت تمام آن را با خلق فرق می گذارند. در جست و جوی ریشه فلسفی خلاقیت در انسان، توجه به دو نقطه اصلی بسیار مهم است: اول) صفت الهی خلاقیت از عدم محض (در قرآن) به امر تعبیر شده است. دوم) اصل خلافت و جانشینی انسان بدین معناست که خداوند از میان تمام موجودات فقط انسان را جانشین خود قرار داده است و ارتباط این دو باهم و ظهور خلاقیت در انسان یک ویژگی خاص در میان همه موجودات است (خامنه ای، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۸۰).

بنابراین هرگونه ساختن را نمی توان برای انسان یک ویژگی دانست، بلکه خلاقیت واقعی که (آفرینش انسان هم از آن نوع است) ابداع و ایجاد از عدم محض است. افعال جانشین خدا هم جنبه امر یا همان خلاقیت و یا همان خلق از عدم می تواند باشد. خلاقیت به معنای فلسفی آن، نقطه مشترک بین خدا و انسان است و رمز آن همان منصب جانشینی خداست که در هیچ موجودی جز انسان یافت نمی شود. ملاصدرا در این باره می گوید: انسان اگر نیروهای خود را متمرکز سازد خواست و اراده او مؤثر و نافذ خواهد بود و چیزی را که اراده کرده به وجود خواهد آمد (خامنه ای، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۸۲). منطق اقتضاء می کند که جانشین خداوند برای انجام وظایف جانشینی خود دارای این ویژگی و توانایی باشد. خلافت انسان، کلید راز نهان وجود خلاقیت در انسان و اختصاص آن به او در میان موجودات دیگر است و اگر موضوع خلافت الهی در بین نباشد، وجود خلاقیت در انسان توجیه فلسفی نخواهد داشت (خامنه ای، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۸۳).

از مصادیق عادی خلاقیت انسان، همان قوه خیال او است که در هنر و علم و زندگی عادی نقش ارزنده ای دارد. همه افراد انسان دارای قوه خیال هستند و همه کم و بیش می توانند در ذهن خود و به یاری قوه خیال، انواع تصورات و اقسام پدیده ها و موجودات ذهنی را بیافرینند (خامنه ای، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۸۴). انسان می تواند (با استفاده از خلاقیت) حتی تصورات و تصدیقاتی محال یا معدوم و حتی خود «عدم» را در ذهن خود مجسم نماید و به آنها احکامی ایجابی و سلبی بدهد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۶۴ و ۳۲: ۱۳۸۲-۳۱). خلاقیت در انسان از نوع خلاقیت خداوند است. عارف بزرگ مسلمان محیی الدین عربی گفته است: خیال در انسان، قلمرو خلاقیت مطلقه و بی حد و مرز اوست. درواقع اگر جهان عینی و خارجی، قلمرو قدرت و خلاقیت خداست، جهان ذهنی و خیال نیز قلمرو بی حد و مرز انسان است. خیال منشاء تمام خلاقیت های هنری از جمله شعر و ادب است. انسان در عالم خیال دست به ابداع می زند. قوه خیال انسان است که تمدن بشری را شکوفا کرده است (خامنه ای، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۸۴). ملاصدرا می گوید: خداوند نقش انسان را به گونه ای ساخت که توانایی دارد بیرون از حوزه حواس ظاهری خود، صورت ها و

اشیایی بسازد و به آن تحقق بخشد. در تفسیر سوره یس می‌خوانیم: انسان برای خود عالمی در قلمرو حاکمیت مطلقه خود دارد که در آن عالم نیز مانند عالم عینی، جوهر و عرض و ماده و عنصر هست و ایجاد همه آن‌ها وابسته به قدرت و اراده انسان است (تفسیر سوره یس، آیه ۴۳-۴۴). موضوع خیال و خلاقیت در انسان و انحصاری بودن آن برای وی به قدرت ابداع و ایجاد انسان در عالم خود محدود نمی‌شود، بلکه در انسان نیرویی است که حتی می‌تواند مخلوقات ذهنی خود را که در خیال اوست، در جهان خارج عینیت ببخشد و به آن وجود خارجی بدهد. «تصرف» و «کرامت» از همین دسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۸۵). ملاصدرا می‌گوید: نفس انسانی از سنخ ملکوت و جوهر لاهوت است. هرگاه نفس خود را به اخلاق الله بیاراید و به عقول و نفوس شباهت پیدا کند، توان کاری را که آن‌ها توانش را دارند، خواهد یافت. چنان که آهن گداخته کار آتش را می‌کند و همان اوصاف را دارد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۴۷۴).

قدرت ابداع و خلاقیت قوه خیال انسان نه فقط موضوعی عرفانی، بلکه فلسفی و متافیزیک است و در حکمت متعالیه جایگاه مهمی دارد. خیال در انسان همان ادراک خیالی یا ورود به عالم مثال است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۶: ۲۵۹). و از لحاظ مراتب وجود در مرتبه عالم مثال قرار دارد و غیرمادی است. از این‌رو قوه خیال را خیال متصل و عالم مثال را خیال منفصل می‌گویند. یعنی موجود خیالی مخلوق ذهن انسان، موجودی بین موجود مادی و موجود عقلی است و به همین سبب قدرت اراده انسان با تمرکز اراده او (که به آن همت می‌گویند) (به شرط توانایی روحی) می‌تواند موجود خیالی خود را به موجودی مادی و حسی برگرداند و به آن وجود خارجی ببخشد، نمونه آن کارهایی است که درباره پیامبران و قدیسین شنیده‌ایم. خلاقیت در انسان از راه خیال انجام می‌گیرد و الهام‌بخش خیال انسان، هماهنگی وجود انسان با مراتب وجود و یا طبیعت جهان و رابطه متقابل آن دو است. از این‌رو اشاره به دو اصطلاح «انسان کبیر» و «عالم صغیر» برای نشان دادن ارتباط پیوسته انسان و جهان (جهان مادی یا اعم از آن) ضروری به نظر می‌رسد (خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۸۹).

در قرآن، خداوند خود را «خالق» معرفی کرده است. کلمه خالق، که از اسامی خاص پروردگار است، ۹ بار در قرآن آمده است. در عین حال که در قرآن، خداوند «خالق» معرفی شده، خلق کردن به غیر خدا هم نسبت داده شده است. شاهد این ادعا، «قَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، ۱۴) است. علامه طباطبایی ذیل تفسیر این آیه می‌فرمایند: «از این که فرمود: او بهترین خالق‌هاست، فهمیده می‌شود که خلقت تنها مختص به او نیست و غیر خدا هم توانایی خلقت دارند» (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۱۵: ۲۷). شاهد دیگر این ادعا، توانایی حضرت عیسی (ع) در خلقت پرنده از گل است که آیه ۱۱۰ مائده اشاره به آن دارد: «وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي»؛ به یاد آور زمانی را که به اجازه من از گل، مجسمه‌ای از پرنده خلق کردی.

اما نوع دیگری از آفرینش، در قرآن تحت اسم «بدیع» آمده است. در قرآن واژه «بدیع» درباره خدای تعالی به کار رفته است. این واژه بر وزن «فعلیل» و صفت مشبیه به معنای «از نو آورنده و مبدع اشیا» است و به معنای، ایجاد و آفرینش چیزی بدون ماده و ابزار، و بدون زمان و مکاتبه کار برده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۴۵). نظیر آیه «بدیع السموات و الأرض و إذا قضی أمرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»

(بقره، آیه ۱۱۷)؛ او آفریننده آسمان‌ها و زمین است و چون اراده آفرینش چیزی کند به محض آن‌که گوید موجود باش، فوراً موجود می‌شود. «ابداع» عبارت است از: آفرینش امری بدون علتی (جز ذات مبدأ) و بدون واسطه و چیزهای دیگر.

بنابراین، از منظر متون دینی، دو نوع آفرینش وجود دارد: آفرینش از ماده که «خلق» نام دارد، و آفرینش از هیچ (عدم) که «ابداع» نام دارد. قرآن آفرینش از راه ابداع را با کلمه «امر» و گاهی با تعبیر «کُن» بیان می‌کند. ملاصدرا و عرفا به این کلمه «کُن وجودی» نام داده‌اند، نتیجه امر به صورت «کُن»، وجود خارجی و تحقق عینی همان چیزی است که خداوند اراده فرموده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۱: ۵). در قرآن، اسماء دیگری نیز نزدیک به معنای ایجاد و ابداع، وجود دارد؛ از جمله «الباری» است که از ریشه «بَرَاءَ» به معنای «مبدع و موجد» است. این اسم سه بار در قرآن به صورت اسمی آمده است (حشر، آیات ۲۲ و ۲۴؛ بقره، آیه ۵۴). در قاموس قرآن آمده است: «خدا را از آن جهت باریء گوییم که به‌وسیله ایجاد اشیا را از نبودن به طرف بودن می‌کشاند» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۷۴). هم‌چنین اسم «الفاطر» از ماده «فَطَرَ» به معنای شکافتن و شکاف است. درباره اصل معنای واژه «فطر» ابن عباس می‌گوید: من نمی‌دانستم واژه فطر در آیه «فاطر السموات والارض» ریشه‌اش در چیست و چه معنایی دارد؛ تا این که دو عرب درباره مالکیت چاهی نزاع داشتند؛ از من حکم خواستند. یکی از آن دو گفت: «انا فطرتها»؛ یعنی حفر چاه را من آغاز کردم. پس دانستم که «فاطر السموات والارض» به معنای «بديع السموات والارض» است؛ یعنی آغازکننده و ابداع‌کننده آسمان و زمین (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۱۹۴). در المفردات نیز این معنا تصدیق شده که منظور از «فطر الله الخلق» همان ایجاد و ابداع آن است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۷۱۹).

اسم دیگر «المُصَوِّر» است که از اسماء حسنا، به معنای آفریننده صورت‌ها و شکل‌ها (صُور) است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۱۶۳). این اسم از اسماء فعل الهی است و گویای آخرین پردازش در مسیر خلقت می‌باشد و شاید تأخر آن در آیه ذیل گویای همین مطلب است؛ «هو الله الخالق الباریء المصوِّر له الاسماء الحسنی» (حشر، آیه ۲۴).

با تحلیل واژگان و اسماء ناظر بر خلاقیت در متون اسلامی، نتیجه می‌گیریم: مفهوم «خلاقیت» در متون اسلامی، ناظر بر دو واژه «خلق» و «ابداع» است. هر دو واژه ناظر بر پیدایش امری نو و اصیل است، با این تفاوت که نوع «خلق» آفرینشی است که مسبوق به ماده و مدت زمان است و نوع «ابداع» آفرینشی است که مسبوق به ماده و مدت زمان نیست. مفهوم «خلق» منطبق بر مفهوم خلاقیت در روان‌شناسی معاصر است و «ابداع» به معنای خاص خود خلق از عدم که در ادبیات اسلامی به عنوان خلاقیتی متعالی مطرح می‌شود، در روان‌شناسی غربی مطرح نشده است. با نظر به آیات قرآنی، هر فرآیند خلاقانه‌ای مستلزم «اراده و اختیار» موجود خلاق است. از آیات بسیاری این مطلب فهمیده می‌شود؛ نظیر آیات ذیل: «وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ* إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس، آیات ۸۱-۸۰). بنا بر آیات فوق، اراده و اختیار در آفرینش هر امر خلاقانه‌ای نقش تعیین‌کننده دارد. تا زمانی که فرد اراده و تصمیم درونی برای خلق ایده یا اثری جدید نداشته باشد، خلاقیتی به ظهور نخواهد رسید. از سوی دیگر، اراده و اختیار را می‌توان به عنوان یک حد اولیه در آفرینش‌گری در نظر گرفت؛ زیرا اراده و اختیار دارای «جهت»

است و این جهت، نوع و کیفیت فهم و خلاقیت را عوض می‌کند، به گونه‌ای که انسان با اراده و اختیار می‌تواند با رجوع به درون خود و به واسطه تفکر بر اندوخته‌های علمی و ذهنی خود، آن چه را می‌خواهد، انتخاب کند و آن را به عرصه عمل بیاورد و یا به واسطه اراده و اختیار، در جهان خارج، به هر صورتی که بخواهد، تغییری ایجاد کند و امری نو و جدید خلق نماید؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، آیه ۱۱).

بر اساس سخن حضرت علی (ع) در خطبه اول نهج البلاغه، می‌توان علاوه بر نکات مزبور، به نکات دیگری از ساختار و ماهیت خلاقیت می‌توان پی برد که عبارت است از: «انگیزه و علاقه درونی» و «مهارت‌های حرکتی و عملی». حضرت علی (ع) چهار نکته را که ساختار و ماهیت آفرینندگی را تشکیل می‌دهند، بیان می‌دارند و این چهار نکته را از ذات پاک خداوند، که اراده‌اش همان ایجاد فعل است، نفی می‌کند. این چهار نکته عبارت است از: ۱. نیروی ادراک و تفکر؛ ۲. استفاده از تجربه؛ ۳. استفاده از مهارت‌های حرکتی و عملی؛ ۴. انگیزه و علاقه درونی.

هم‌چنین در آیات ۹۴ الی ۹۸ سوره کهف، خلاقیت و نوآوری ذوالقرنین را در ساخت سد، به عنوان مانع در برابر یاجوج و ماجوج به سبب انگیزه تأمین نیاز و کاهش اضطراب و نگرانی مردم آن منطقه طرح شده است. به عبارت دیگر، خلاقیت ذوالقرنین نتیجه فعل و انفعال متقابل او با محیط و نیازها و تنش‌های برخاسته از آن عنوان شده است. بنابراین، می‌توان بیان داشت که انگیزه، نقش بسیار مهمی در خلاقیت‌ها و نوآوری‌های انسان ایفاء می‌کند و طبق تصریح آیات و روایات مزبور، این انگیزه از نوع تأمین نیاز و کاهش تنش است. به عبارت دیگر، انگیزه اصلی خلق هر محصول خلاقانه در جهت تأمین نیازهای فردی، اجتماعی و محیطی است. نیز انسان در هر عصر، آن چه را نیاز داشته، ساخته است و هر روز که دامنه نیازهای او گسترده‌تر شده، متناظر با آن، خلاقیت‌ها و نوآوری‌هایش گسترش یافته است، و اگر در محتوای هر یک از محصولات خلاقانه بیندیشیم آن را تابعی از نیازهای آن عصر به آن شیء یا آن ایده خواهیم یافت. خلاقیت انسانی برخلاف خلاقیت خداوند، همیشه مسبوق به الگویی قبلی است. این الگوی پیشینی ممکن است در موجوداتی باشد که در اطراف وی وجود دارند (طبیعت)، و ممکن است در مصنوعات و ایده‌های انسانی دیگر باشد. افراد خلاق از این پدیده‌ها و مصنوعات و ایده‌ها الگو می‌گیرند و این الگوها را در خلق پدیده‌ها و ایده‌های جدیدتر و یا در کشف مسائل جدید به کار می‌برند. در تمام نمونه‌های خلاقیت، مشاهده شده است که افکار جدید از گذشته نشأت گرفته و یا در ارتباط با آن چه از قبل بوده، تغییر، توسعه و تکامل یافته و پایه و اساس بسیاری از خلاقیت‌های بشری الهام‌یافته از نظام خلقت (طبیعت) است. البته این نظریه به معنای آن نیست که نحوه شکل‌گیری آثار خلاقانه به طور مطلق، در استمرار با آثار و ایده‌های گذشتگان صورت گرفته و هیچ عنصر فکری خودانگیخته و خودافزوده‌ای بر آن اضافه نشده، بلکه به معنای آن است که الگوها و ایده‌های متقدمان با جزئیات و ابعاد بیش‌تر و متفاوت‌تری مورد مذاقه شخص خلاق قرار گرفته و مبتنی بر الگوهای پایه، از طریق آن چه «تشابه» خوانده می‌شود، آن الگوها تعمیم یافته و الگوهای نو و بدیعی در موقعیت‌های جدید ساخته می‌شود. تاریخ دستاوردهای علمی و هنری خود بیان‌گر این ادعاست. انسان برای تحقق ایده‌های خلاقانه خود، نیازمند آن است که به پدیده‌ها، اشیا و مخلوقات عالم تا حدی احاطه و تسلط پیدا کند و آن‌ها را تسخیر و

استخدام نماید و به نحوی برای جلب منفعت و مصلحت متناظر با شأن خلیفه الهی خود، در آن‌ها دخل و تصرف کند؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِی السَّمَاوَاتِ وَ مَّا فِی الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ» (جاثیه، آیه ۱۲)؛ «خَلَقَ لَكُم مَّا فِی الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره، آیه ۲۹). از آیات مزبور استفاده می‌شود که خدای تعالی برای انسان سنجی از وجود اختیار کرده که قابل ارتباط با تمامی اشیای عالم (به معنای اعم آن) است و می‌تواند از هر چیزی استفاده کند، چه از راه اتصال به آن چیز و چه از راه وسیله قرار دادن برای استفاده از چیزهای دیگر. از این راه‌هاست که به ابتکارات و خلاقیت‌های عجیبی در علم، صنعت و هنر دست می‌یابد و راه‌ها و اندیشه‌های باریکی برای تسخیر و استخدام اشیای خلق می‌کند. در نهایت، برای این که خلاقیت به منصف ظهور برسد، باید «رابطه تسخیری انسان با اشیای موجودات عالم» برقرار گردد تا انسان بتواند در اشیای هستی دخل و تصرف کند و از آن برای تأمین نیاز، جلب منفعت و دفع مضرت استفاده نماید. در نهایت، بنابر مجموع مطالب بیان‌شده، می‌توان تعریفی از ماهیت خلاقیت در دیدگاه اسلامی ارائه کرد و آن عبارت است از این‌که: «خلاقیت فرآیندی شناختی، انگیزشی و مهارتی است که منجر به تولید ایده یا اثری جدید - که محصول رابطه تسخیری انسان با اشیای موجودات عالم است - در جهت شأن خلیفه الهی انسان مختار می‌گردد. با توجه به مطالب فوق پرسشی که مطرح است این است که بر اساس فلسفه اسلامی که مبانی نظری سند تحول نیز بر گرفته از آن سند است مبانی فلسفی خلاقیت چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد پژوهش کیفی است که جهت تحلیل داده‌های حاصله از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. روش تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. جامعه تحلیلی در پژوهش حاضر اسناد و مدارک مکتوب نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران شامل مبانی نظری سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و مبانی فلسفه اسلامی است که به‌طور مستقیم و غیر مستقیم به مبانی پرورش تفکر و خلاقیت پرداخته‌اند، است. روش نمونه‌گیری هدف‌مند است به این معنی که از جامعه تحلیلی با توجه به اهداف پژوهش نمونه‌گیری انجام و داده‌های لازم فیش‌برداری و به‌طور عمیق مورد مطالعه قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌طور مستمر هم‌زمان با جمع‌آوری اطلاعات از طریق کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام گرفت. در نهایت پس از استخراج مؤلفه‌های مبانی پرورش تفکر و خلاقیت در کودکان با تکیه بر تعلیم و تربیت اسلامی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مدل مفهومی ارائه شد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱: کدگذاری باز مبانی پرورش تفکر و خلاقیت در کودکان از نرم‌افزار مکس کیودا نسخه ۱۲

کد مفهومی	فرآوانی	مفاهیم دریافت شده	گزاره‌ها
E1	۳	شناخت جهان هستی	جهان هستی واقعیت دارد؛ ولی هستی به طبیعت منحصر نیست.
E2	۵	شناخت خدا	خداوند مبدأ و منشأ جهان و یگانه مالک، مدبّر و رب حقیقی همه موجودات عالم است.
E3	۲	ویژگی ذاتی	ویژگی ذاتی جهان موجودات (عالم امکان)، فقر و نیاز محض به واجب‌الوجود است. این فقر ذاتی سبب می‌شود موجودات نه تنها در پیدایش، بلکه در بقاء نیز به ذات غنی واجب‌الوجود به‌طور ابدی محتاج بمانند.

کد مفهوم	فرآوانی	مفاهیم دریافت شده	گزاره‌ها
E4	۱	وحدت	در جهان هستی در عین وحدت، کثرت وجود دارد اما کثرتی غیر اصیل که در نهایت به وحدت باز می‌گردد.
E5	۳	غایت جهان هستی	آفرینش جهان هستی، غایت‌مند و خداوند غایت همه موجودات است.
E6	۳	هدایت الهی	خداوند خیر بنیادین هستی است و همه موجودات عالم را به سوی کمال شایسته آن‌ها هدایت می‌کند. از این رو تمام موجودات جهان هستی از هدایت الهی برخوردارند.
E7	۲	نظام احسن	جهان آفرینش از نظام احسن برخوردار و اراده و سنن الهی بر جهان هستی حاکم است.
E8	۱	نظام علت و معلول	نظام علت و معلول و سبب و مسبب بر جهان هستی حاکم است.
E9	۱	نظام یکپارچه	جهان آفرینش دارای نظامی یکپارچه است سراسر آن آیت و نشانه علم و قدرت و حکمت و مهر نامتناهی خداوند است
E10	۲	تکامل موجودات	عالم ماده و همه موجودات وابسته به آن وجود تدریجی و در زمان دارند و همواره در حال شدن و دگرگونی و حرکت مداوم‌اند.
E11	۲	فناپذیری جهان هستی	جهان طبیعت و همه واقعیت‌های آن، اموری در حال تراحم، محدود، پایان‌پذیر و فناشدنی هستند.
E12	۱	ترکیب جسم و روح	انسان موجودی است مرکب از جسم و روح: دو حیثیت در هم تنیده و مرتبط.
E13	۱	حقیقت انسان	حقیقت انسان، روح اوست و کمال و جاودانگی آدمی به کمال و بقای روح مربوط می‌شود.
E14	۲	فطرت الهی	انسان فطرتی الهی دارد که قابل فعلیت یافتن و شکوفایی یا فراموش شدن است.
E15	۲	کمال طلبی	انسان بر حسب فطرت و آفرینش، جویای همه مراتب کمال (تا حد بی‌نهایت) است.
E16	۳	هدفمند بودن آفرینش انسان	آفرینش انسان، هدفمند و در هماهنگی کامل با غایت هستی است.
E17	۲	حاکم بودن سنت‌های الهی	سنت‌های الهی بر زندگی انسان حاکم است. علاوه بر سنت عام هدایت فطری و تشریعی، خداوند برای تحول و حرکت مناسب آدمی به سوی کمال، سنت‌هایی هم چون ابتلا و امتحان، استدراج و امهال (مهلت دادن) بر گستره زندگی انسان حاکم کرده است.
E18	۲	قابلیت خلیفه خدا بودن	انسان هم کرامت ذاتی دارد و هم می‌تواند کرامتی اکتسابی به دست آورد و لذا این قابلیت را دارد که خلیفه خدا در روی زمین باشد.
E19	۴	عدالت بر حسب آفرینش	همه انسان‌ها، بر حسب آفرینش برابرند و از حقوق و تکالیف عادلانه برخوردارند.
E20	۳	عقل و خرد	خداوند توانایی ویژه‌ای به نام عقل و خرد به انسان ارزانی داشته است.
E21	۳	آزادی و اختیار	انسان موجودی آزاد و صاحب اختیار است که این آزادی و اختیار را خدا به او داده است.
E22	۱	استعداد ذاتی	انسان موجودی است دارای استعدادهای طبیعی متنوع و عواطف و تمایلات گوناگون که می‌تواند در هر جهت (مثبت یا منفی) فعلیت یابند و تأثیرگذار باشند.
E23	۱	خصوصیات متفاوت	انسان‌ها، ضمن داشتن طبیعت و فطرت مشترک، دارای خصوصیات متفاوت‌اند.
E24	۱	رسیدن به فعلیت	انسان موجودی همواره در حال حرکت و سیورورت است. منظور از این حرکت، تغییر پیوسته نفس (که یک وجود واحد است اما دارای مراتب) و خروج دائمی آن از قوه (استعدادهای بالقوه) به فعلیت است.
E25	۲	درک و تغییر موقعیت	انسان همواره در «موقعیت» است و می‌تواند آن را درک کند و تغییر دهد.
E26	۱	محدودیت و ضعف	انسان در عین برخورداری از استعدادهای فراوان، دارای انواع محدودیت‌ها و مواجه با بسیاری از تهدیدهای بیرونی و درونی است.
E27	۱	تکوین و تحول هویت	آدمی در تکوین و تحول هویت ناتمام و پویای خود، نقش اساسی دارد. معرفت، باور، میل، اراده، عمل (فردی و جمعی) مداوم و در نتیجه کسب صفات و توانمندی‌ها و مهارت‌ها، عناصر اصلی تکوین و تحول هویت انسان‌اند.

کد مفهوم	فرآوانی	مفاهیم دریافت شده	گزاره‌ها
E28	۳	اجتماعی بودن	انسان موجودی اجتماعی است. لذا هم وجود آدمی تاحدی قابل توجه از شرایط اجتماع تأثیر می‌پذیرد و هم می‌تواند با توسعه وجودی خویش، با دیگران ارتباط برقرار کند و اجتماع را تحت تأثیر خود قرار دهد.
E29	۳	تحقق هویت	هویت دو وجه فردی و جمعی دارد و در انواع و جنبه‌های مختلف قابل تحقق است.
E30	۴	مسئولیت	انسان موجودی مکلف است و نسبت به انجام تکالیف خود، نخست در برابر خداوند و سپس در برابر خویشان و دیگران مسئولیت دارد.
E31	۲	بهره‌گیری از الگو و اسوه	آدمی برای نقش‌آفرینی در روند تکوین و تحول هویت خویش به دلیل وجود تهدیدهای بیرونی و درونی، نیازمند استعانت از خدای متعال و بهره‌مندی از راهنمایی و مساعدت انسان‌های رشد یافته است.
E32	۲	استفاده از راهنمایی دیگران	خداوند، که مربی حقیقی آدمیان است، همواره مصادیقی از انسان کامل را، به مثابه والاترین اسوه‌های آدمی در مسیر هدایت آنان قرار داده و می‌دهد تا روند تکوین و تعالی هویتشان، با معرفت به این مصادیق و تولا و تأسی به ایشان، به وجه مطلوب، صورت پذیرد.
E33	۳	معداد و آمادگی برای آن	برای انسان بعد از این دنیا، حیاتی بی‌پایان و ابدی شروع می‌شود که سراسر زندگی واقعی است. اما سرنوشت هرکس در این زندگی جاودانه و حقیقی، با معرفت، انتخاب و عمل اختیاری خود او و در نتیجه با تکوین و تحول هویت وی در همین دنیا رقم می‌خورد.
E34	۲	درک موقعیت خود و دیگران در هستی	انسان نسبت به شناخت هستی و درک موقعیت خود و دیگران در هستی توانایی دارد.
E35	۲	علم انسان	علم انسان دارای اقسام حقیقی و اعتباری است و مراتب و سطوح مختلف دارد.
E36	۱	نفس الامر	معیار اعتبار علم، مطابقت با مراتب گوناگون واقعیت (نفس الامر) است.
E37	۱	ابداع نفسانی	علم در عین کشف از واقع (از منظر معلوم)، محصول خلاقیت و ابداع نفسانی (از منظر عالم) است.
E38	۱	پویایی	علم در عین ثبات (از منظر معلوم)، دارای ویژگی پویایی (از منظر عالم) است.
E39	۱	منابع و ابزار شناخت متعدد	آدمی منابع و ابزار شناخت متعددی در اختیار دارد که مکمل یکدیگرند و برای شناخت منسجم و جامع واقعیات و حقایق جهان باید از همه آن‌ها بهره گرفت و نمی‌توان از برخی به نفع دیگری دست برداشت.
E40	۳	تعقل	انسان هم در مقام نظر و هم در عرصه عمل، از توانایی تعقل (عقل‌ورزی)، که در شناخت حقیقت هستی و کسب سعادت جاوید نقش اساسی دارد، برخوردار است.
E41	۳	محدودیت ذاتی	شناخت آدمی با موانع و محدودیت‌هایی همراه است.
E42	۲	واقعیت عمل	اعتبار ارزش‌های حقیقی بر واقعیت‌های مربوط به عمل آدمی و نتایج آن تکیه دارد.
E43	۲	عقل و فطرت انسانی و نظام معیار دینی	اعتبار ارزش‌ها هم از طریق «عقل و فطرت انسانی» و هم با مراجعه به «نظام معیار دینی» معلوم می‌گردد.
E44	۲	قرب الی الله	ارزش‌ها انواع و مراتب مختلف دارند و به شکل سلسله‌مراتبی با غایت اصیل زندگی آدمی - یعنی قرب الی‌الله - ارتباط دارند
E45	۲	حسن فعلی و حسن فاعلی	ارزشمند دانستن هر عمل، هم تابع حسن فعلی و هم وابسته به حسن فاعلی است.
E46	۲	تأسی به اولیای الهی و تولا الهی	تأسی به اولیای الهی و تولا و اطاعت از آن‌ها و دشمنی با دشمنان راه خدا و اولیای خداوند، تنها راه تحقق کامل حیات طیبه در مسیر قرب الی‌الله است.
E47	۲	آزادی حقیقی انسان	آزادی حقیقی انسان، در رهایی از همه موانع درونی و بیرونی رشد و تعالی انسان - نظیر وابستگی به شهوات و تمایلات نفسانی، پذیرش انواع ستم اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، تبعیت کورکورانه از هنجارها و سنت‌های غلط و اطاعت از حاکمیت طاغوت - و حرکت به سوی عبودیت خداوند است.
E48	۲	عدالت	عدالت اساسی‌ترین ارزش اخلاقی و اجتماعی در نظام معیار اسلامی است.
E49	۲	رأفت و احسان	رأفت و احسان و گذشت و بخشش، مهم‌ترین ارزش‌های متمم عدالت هستند.

کد مفهومی	فراوانی	مفاهیم دریافت شده	گزاره‌ها
E50	۲	طلب علم	علم و عالم در جامعه و فرهنگ اسلامی نقشی بنیادی دارند؛ علم در رأس فضیلت‌ها، ریشه همه خوبی‌ها، هم نشین جدایی‌ناپذیر ایمان، چراغ عقل و مایه ارزش‌گذاری آدمیان است و لذا طلب علم، فریضه‌ای واجب بر همگان و احترام به عالم، اصلی مسلم و تخلف‌ناپذیر محسوب می‌شود.
E51	۳	زیبایی و هنر	زیبایی و هنر از نمودهای تعالی بخش حیات بشری و یکی از تمایلات فطری انسان است و ارزش زیباشناختی هم ناظر به واقعیت‌های عینی است و هم وابسته به ادراک فرد.
E52	۲	طبیعت و پدیده‌های طبیعی	طبیعت و پدیده‌های طبیعی را، افزون بر ارزش ابزاری در جهت تحقق غایت زندگی، باید با نگرش نمادین، به مثابه آیاتی از حکمت، لطف و اقتدار الهی ملاحظه نمود.
	۱۰۹	۵۲	مجموع

کدهای دریافتی معادل ۵۲ کد بود که در کل ۱۰۹ بار به تمام کدها در منبع مورد نظر یعنی سند تحول بنیادین ذکر شده اشاره شده بود که بر اساس اهمیت آن‌ها انتخاب و در جدول ۱ قرار گرفتند.

کد گذاری محوری مبانی پرورش تفکر و خلاقیت در کودکان

در مرحله دوم از فرایند تحلیل محتوای فیش‌ها با مقایسه مستمر و چندین باره کدهای باز تولید شده در مرحله قبل کدهای محوری ایجاد شدند. برای تولید کدهای محوری چندین کد باز در ذیل چتر یک کد تفسیری جمع شد و آن را تشکیل داده‌اند. همان‌گونه که بیان شد کدهای محوری گاه از ترکیب چند کد باز و گاه از آوردن چند کد باز در ذیل یک کد باز موجود و گاه از جمع چند کد باز در ذیل یک کد محوری تولید شد است. شایان ذکر است استفاده از متون تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت. اشباع نظری از طریق عدم تولید ارزش افزوده جدید معتابه و به انسجام رسیدن الگو و روابط درونی اجزاء آن تشخیص داده شد.

جدول ۲: بعد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها برای مبانی پرورش تفکر و خلاقیت در کودکان

شاخص	مؤلفه	بعد
شناخت جهان هستی	مبانی هستی‌شناختی	مبانی پرورش تفکر و خلاقیت در کودکان
شناخت خدا		
ویژگی ذاتی		
وحدت		
غایت جهان هستی		
هدایت الهی		
نظام احسن		
نظام علت و معلول		
نظام یکپارچه		
تکامل موجودات		
فناپذیری جهان هستی	مبانی انسان‌شناختی	
ترکیب جسم و روح		
حقیقت انسان		
فطرت الهی		
کمال‌طلبی		
هدف‌مند بودن آفرینش انسان		
حاکم بودن سنت‌های الهی		
قابلیت خلیفه خدا بودن		
عدالت بر حسب آفرینش		

بعد	مؤلفه	شاخص
		عقل و خرد
		آزادی و اختیار
		استعداد ذاتی
		خصوصیات متفاوت
		رسیدن به فعلیت
		درک و تغییر موقعیت
		محدودیت و ضعف
		تکوین و تحول هویت
		اجتماعی بودن
		تحقق هویت
		مسئولیت
		بهره‌گیری از الگو و اسوه
		استفاده از راهنمایی دیگران
		معاد و آمادگی برای آن
		درک موقعیت خود و دیگران در هستی
	مبانی معرفت شناختی	علم انسان
		نفس الامر
		ابداع نفسانی
		پویایی
		منابع و ابزار شناخت متعدد
		تعقل
		محدودیت ذاتی
		واقعیت عمل
		عقل و فطرت انسانی و نظام معیار دینی
		قرب الی الله
		حسن فعلی و حسن فاعلی
		تأسی به اولیای الهی و تولا
		آزادی حقیقی انسان
		عدالت
		رأفت و احسان
	مبانی ارزش شناختی	طلب علم
		زیبایی و هنر
		طبیعت و پدیده‌های طبیعی

تحلیل داده‌های حاصل از جدول ۲، حاکی از این است که با توجه به تعداد شاخص‌ها، در بخش مبانی، با توجه به مبانی چهارگانه فلسفی یعنی مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی ۵۲ شاخص ناظر بر پرورش تفکر و خلاقیت استخراج شد. مبانی انسان‌شناسی با ۲۲ شاخص بیش‌ترین شاخص و مبانی ارزش‌شناختی با ۶ شاخص کم‌ترین شاخص را به خود اختصاص داده‌اند. در بخش تکرار فراوانی شاخص‌ها، مبانی معرفت‌شناسی کم‌ترین میزان فراوانی و در مقابل مبانی ارزش‌شناسی بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های حاصل از بخش کیفی حاکی از آن است که مبانی فلسفی خلاقیت متشکل از ۴ بُعد مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی است. شاخص‌های بُعد هستی‌شناسی مشتمل بر شناخت جهان هستی، شناخت خدا، ویژگی ذاتی، وحدت، غایت جهان هستی، هدایت الهی، نظام احسن، نظام علت و معلول، نظام یکپارچه، تکامل موجودات و فناپذیری جهان هستی، مبانی انسان‌شناختی (شاخص‌های ترکیب جسم و روح، حقیقت انسان، فطرت الهی، کمال‌طلبی، هدفمند بودن آفرینش انسان، حاکم بودن سنت‌های الهی، قابلیت خلیفه خدا بودن، عدالت بر حسب آفرینش، عقل و خرد، آزادی و اختیار، استعداد ذاتی، خصوصیات متفاوت، رسیدن به فعلیت، درک و تغییر موقعیت، محدودیت و ضعف، تکوین و تحول هویت، اجتماعی بودن، تحقق هویت، مسئولیت، بهره‌گیری از الگو و اسوه، استفاده از راهنمایی دیگران و معاد و آمادگی برای آن)، مبانی معرفت‌شناختی (شاخص‌های درک موقعیت خود و دیگران در هستی، علم انسان، نفس‌الامر، ابداع نفسانی، پویایی، منابع و ابزار شناخت متعدد، تعقل و محدودیت ذاتی)، مبانی ارزش‌شناختی (شاخص‌های واقعیت عمل، عقل و فطرت انسانی و نظام معیار دینی، قرب الی‌الله، حسن فعلی و حسن فاعلی، تأسی به اولیای الهی و تولا، آزادی حقیقی انسان، عدالت، رأفت و احسان، طلب علم، زیبایی و هنر، طبیعت و پدیده‌های طبیعی) می‌باشد.

می‌توان گفت نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر با نتیجه مطالعات بختیاروند (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی تحلیلی نقش و جایگاه آموزش تفکر در سبک زندگی اسلامی»، ترکاشوند (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی و نقد مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، مرزوقی و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان «تحلیل و نقد نظری و روش‌شناختی اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، فرمehینی فراهانی و همکاران (۱۳۹۸)، علی‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷) و کیانی و همکاران (۱۴۰۰) که در حوزه جایگاه حیات طیبه در سند تحول بنیادین و تبیین راه‌کارهای تحقق آن در آموزش و پرورش انجام شده است، هم‌سو است.

در نهایت پیشنهاد می‌شود که مدارس به بهره‌گیری از مبانی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به کسب فضایل اخلاقی از جمله ایمان، تقوا، توالی و تبری، عمل صالح، خودباوری، مجاهدت، ظلم‌ستیزی، علم، حکمت، عفت، شجاعت، عدالت، صداقت، ایثار و فداکاری همراه با توجه به سلامت جسمانی، نشاط و تقویت اراده، وطن‌دوستی و افتخار به ارزش‌های اصیل و ماندگار اسلامی-ایرانی، مسئولیت‌پذیری همه‌جانبه، مشارکت اجتماعی، داشتن روحیه جمعی و کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای و مهارتی، زمینه‌ساز کار و کارآفرینی، ارتقاء انواع و مراتب عقلانیت و تفکر در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت به صورتی جامع، یکپارچه و متوازن، ارج نهادن به دستاوردهای علمی و تجربه‌های بشری در چارچوب معیارهای اسلامی برای دستیابی به مرجعیت علمی جهان پردازند.

تقدیر و تشکر

بدین‌وسیله از صاحب‌نظران حوزه فلسفه و فلسفه تعلیم و تربیت که این پژوهش را در استخراج مضامین همراهی کرده‌اند، تشکر و قدر دانی به عمل می‌آید.

منابع

- بختیاروند، مریم (۱۳۹۳). بررسی تحلیلی نقش و جایگاه آموزش تفکر در سبک زندگی اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ترکاشوند، مراد (۱۳۹۲). بررسی و نقد مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران (مبانی فلسفی تحول در نظام آموزش و پرورش ایران).
- خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۸۶). انسان در گذرگاه هستی. جلد اول، تهران: انتشارات بنیاد حکما اسلامی صدا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن (جلد ۱)، مترجم: سید غلامرضا خسروی حسینی، ناشر: مرتضوی.
- شیرازی، مکارم (۱۳۸۰). ترجمه القرآن الکریم. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابی‌راهیم (۱۳۶۳). مفاتیح الغیب، ترجمه محمد خواجه‌وی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابی‌راهیم (۱۳۸۰). الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه. ترجمه محمد خواجه‌وی. تهران: مولی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابی‌راهیم (۱۳۸۲). آله‌شواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، ترجمه سید جلال الدین آشتیانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابی‌راهیم (۱۹۸۱). الحکمه المتعالیه فی اسفار العقلیه الاربعه، چاپ سوم، ج ۱-۳-۸ - ۹، بیروت، دار احیاء التراث.
- طباطبایی، محمدحسن (۱۳۸۰). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی؛ تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء/امیرکبیر.
- علی‌آبادی، ابوالفضل، مسعودی، جهانگیر، غفاری، ابوالفضل، و باغلی، حسین (۱۳۹۷). ضرورت توجه به قطب سوم در تربیت دینی و آثار آن بر فضای تربیتی (مربیان، فراگیران و کلاس درس)، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۳(۱)، ۴۹-۸۸. <https://doi.10.29252/qaie.3.1.49> & <http://qaie.ir/article-1-182-fa.html>
- فرمehنی فراهانی، محسن، حسینی، فاطمه، و احمدآبادی آرانی، نجمه (۱۳۹۸). بررسی جایگاه حیات طیبه در سند تحول بنیادین و تبیین راهکارهای تحقق آن در آموزش و پرورش. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۷(۴۲)، ۷۹-۱۰۴. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22516972.1398.27.42.4.4>
- کیانی، معصومه، و پورجمشیدی، مریم (۱۴۰۰). تبیین تربیت معنوی برای کودکان با تأکید بر مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی و عمومی ایران و بررسی فرصت‌ها و چالش‌های یادگیری الکترونیکی برای آن، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۶(۲)، ۱۰۹-۱۳۲. <http://qaie.ir/article-1-753-fa.html> & [doi:10.52547/qaie.6.2.109](https://doi.10.52547/qaie.6.2.109)
- قاسمی، وحید (۱۳۹۲). مدل‌سازی معادلات ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد ایموس. تهران: جامعه‌شناسان.

قرشی، باقرشریف (۱۳۷۱). حیاة الامام الحسین بی علی دراسه و تحلیل، ناشر: مدرسه علمیه آیت‌الله حاج شیخ یوسف ایروانی (ره).

مرزوقی، رحمت‌اله، عقیلی، رضا، و مهرورز، محبوبه (۱۳۹۵). تحلیل و نقد نظری و روش‌شناختی اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۶(۲)، ۴۰-۲۱.
<https://doi.org/10.22067/fedu.v6i2.53863>

References

- Bakhtiarvand, M. (2014). Analytical study of the role and position of thinking education in Islamic lifestyle. Master's thesis, Shahid Chamran University of Ahvaz.[In Persian].
- Farmahini Farahani, M., Hosseini, F., & Ahmad Abadi Arani, N. (2019). Study of the status of Tayyeb's life in the document of fundamental change and explaining the ways of its realization in education. *Research in Islamic Education Issues*, 27(42), 79-104.
https://iej.ihu.ac.ir/article_204531.html[In Persian].
- Ghasemi, V. (2013). Structural Equation Modeling in Social Research Using IMOS. Tehran: *Sociologists*. [In Persian].
- Khamenei, S. M. (2007). Man at the Crossroads of Existence. Volume 1, Tehran: *Sadra Islamic Sages Foundation Publications*. [In Persian].
- Marzooghi, R., Aghili, R. & Mehrvarz, M. (2017). A Methodological and Theoretical Analysis and Critique of the Educational Fundamental Transformative Documents of Islamic Republic of Iran. *Foundations of Education*, 6(2), 21-40. <https://doi.org/10.22067/fedu.v6i2.53863> [In Persian].
- Qureshi, B. (1992). The life of Imam al-Hussein in Ali's study and analysis, publisher: *Ayatollah Haj Sheikh Youssef Erwani's Islamic School*. [In Persian].
- Ragheb Esfahani, H. (1995). Translation and research of vocabulary of Quranic words (volume 1), translator: Seyyed Gholamreza Khosravi-Hosseini, publisher: *Mortazavi*. [In Persian].
- Sadr al-Din Shirazi, M. (1981). Al-Hikma al-Mutaaliyyah fi Asfar al-Uqliyyah al-Arbaeh, third edition, vol. 1-3-8-9, Beirut, *Dar Ihya al-Trath*. [In Persian].
- Sadr al-Din Shirazi, M. (1984). Mafatih al-Ghayb, translated by Mohammad Khawajoi. Tehran: *Cultural Studies and Research Institute*. [In Persian].
- Sadr al-Din Shirazi, M. (2001). Al-Hikmah al-Mutawaliyyah fi al-Asfar al-Arba'ah. Translated by Mohammad Khawaji. Tehran: *Mawli*. [In Persian].
- Sadr al-Din Shirazi, M. (2003). Evidence of Divinity in the Syloquian Curriculum. Translated by Seyyed Jalal al-Din Ashtiani. Tehran: *University Publishing Center*. [In Persian].
- Shirazi, M. (1380). Translation of the Holy Qur'an. Tehran: *Office of Islamic History and Studies*. [In Persian].
- Tabatabaei, M. (2001). Al-Mizan in the Interpretation of the Quran, Qom: Allama Tabatabaei Scientific and Intellectual Foundation; Tehran: Raja Cultural Publishing Center: *Amir Kabir*. [In Persian].
- Torkashvand, M. (2013). Review and Criticism of the Theoretical Foundations of the Fundamental Transformation of Education Document. *Conference of the Iranian Educational Philosophy Association* (Philosophical Foundations of Transformation in the Iranian Educational System). [In Persian].